

جهان در سال ۲۰۰۹

(منبع: خبر نامه ماه ژانویه موسسه اوپلر هرمس آلمان)

جهان:

با بروز اولین رکود بی سابقه در اقتصادهای بالغ از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون، پیش بینی می شود نرخ رشد جهانی تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۹ به کمتر از یک درصد برسد. بعلاوه، این امر یک چرخه تجاری عادی محسوب نشده و میزان تاثیر سیاستهای مالی و پولی در خنثی کردن فشار اعتباری نامشخص است اما ریسکهای موجود از لحاظ شدت و مدت رکود جهانی رو به کاهش نهاده اند. رشد تجارت جهانی نیز در سه ماهه آخر سال ۲۰۰۸ شدیداً کاهش یافت و انتظار می رود در سال ۲۰۰۹ منفی گردد. علیرغم انتقال رکود اقتصادهای بالغ به اقتصادهای در حال ظهور ناشی از معکوس شدن شدید جریان سرمایه و تامین مالی، کاهش تقاضا برای صادرات و سقوط قیمت کالاها از جمله نفت، این امر باعث از هم گسیختگی بازارهای در حال ظهور نشده است. انتظار می رود که اقتصادهای دارای حکومتهای موثر و با ثبات (که گام آغازین موثری در تعدیل سیاستها می باشد)، با بهره گیری از موقعیت قوی نقدینگی خارجی و نسبتهای پایین بدهی، مقاوم ترین کشورها در برابر رکود (کساد) اقتصادی موجود باشند. با توجه به افزایش تعداد بسته های حمایتی مالی، اعمال سیاستهای موثر اقتصادی نیز جهت دستیابی به کمکهای مالی صندوق بین المللی پول مهم خواهد بود.

آمریکای لاتین:

اگرچه دخایر ارزی قوی و اعتبار سیاسی دو کشور برزیل و مکزیک به ثبات کلی وضعیت اقتصادی آنها کمک نموده است، اما هر دو با فقدان نقدینگی در بانکها ناشی از خروج شدید سرمایه، و کاهش شدید شاخص بازارهای مالی و نرخهای ارز روبرو بوده اند. مکزیک جهت جلوگیری از کاهش تولید ناخالص داخلی خود در سال ۲۰۰۹ بایستی فشار زیادی را تحمل نماید حال آنکه تولید ناخالص داخلی برزیل نیز به حدود ۲٪ کاهش خواهد یافت. سایر کشورهای تولید کننده کالاهای غیر نفتی یعنی شیلی، پرو و کلمبیا نیز به اعمال یک دوره تعدیلات (اقتصادی) نیازمندند اما با اینحال بخوبی کنترل اوضاع را بدست گرفته اند ضمناً این کشورها برخلاف آرژانتین با کاهش قیمتهای کالاهای مصرفی روبرو بوده اند. پیش بینی می شود کاهش شدید قیمت نفت، آزمایش سختی برای احزاب چپ رادیکال در ونزوئلا، بولیوی و اکوادور باشد این در حالیست که اکوادور تاکنون از پرداخت دیون خارجی خود به به زعم خودش "بدهی های نامشروع" می باشند خودداری نموده است. کشورهای حوزه آمریکای مرکزی و کارائیب نیز

از کاهش درآمدهای توریسم و دستمزد کارگران (ناشی از رکود در آمریکا) رنج خواهند برد اگر چه کاهش قیمت‌های نفت به بهبود وضعیت ترازهای خارجی آنها کمک خواهد نمود. رشد اقتصادی کمتر از ۲٪ برای این منطقه پیش بینی می شود.

خاور میانه:

با کاهش قیمت نفت به میزان حدود یکصد دلار در هر بشکه در نیمه دوم سال ۲۰۰۸، چشم انداز اقتصادی این منطقه بطور قابل ملاحظه ای منفی گردیده است. پیش بینی می شود در بهترین حالت نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در این منطقه در سال ۲۰۰۹ به حدود ۰.۴٪ برسد (متوسط نرخ رشد در سالهای ۲۰۰۲ لغایت ۲۰۰۷ در حدود ۵/۸٪ بوده است). حتی کشورهای حوزه خلیج (شامل عربستان سعودی و امارات) نیز در صورت رسیدن قیمت نفت به ۴۰ دلار در هر بشکه بایستی به فکر تعدیل سیاستهای اقتصادی خود باشند. سایر تولید کنندگان نفت همچون ایران نیز جهت ایجاد توازن میان حسابهای مالی و بدهی های خارجی خود به افزایش بیشتر قیمت نفت نیازمند بوده و افزایش فشارهای اجتماعی و سیاسی در این کشورها دور از انتظار نمی باشد. چشم انداز اقتصادی کشورهای غیر نفتی از جمله اردن و لبنان نیز منفی بوده و اقتصاد این کشورها نیز وابسته به سایر کالاها و بازیابی دلارهای نفتی می باشد. با توجه به درپیش بودن انتخابات پارلمانی و تغییر در کادر رهبری اسرائیل، انتخابات ریاست جمهوری در ایران و تغییرات بالقوه در سیاست ایالات متحده در خصوص منطقه خاور میانه در دوره ریاست جمهوری اوباما، کشورهای ایران، عراق و فلسطین (بخصوص نوار غزه) همچنان در سال جدید تحت فشار قرار خواهند داشت. این منطقه در طول سال ۲۰۰۹ همچنان تحت فشارهایی قرار خواهد داشت.

آسیا:

با توجه به کاهش تقاضا برای صادرات، انتظار می رود رشد اقتصادی این منطقه در سال ۲۰۰۹ به زیر ۰.۵٪ تنزل یابد (میانگین رشد اقتصادی این منطقه در سالهای ۲۰۰۵ لغایت ۲۰۰۷، ۸/۵٪ بوده است). رشد اقتصادی در هند به ۰.۵٪ خواهد رسید و نرخ آن در چین از ۷٪ فراتر نخواهد رفت این درحالیست که نرخ رشد هند و چین در فاصله زمانی ۲۰۰۵ لغایت ۲۰۰۷ به ترتیب بالای ۹٪ و بالای ۱۱٪ بوده است. هند بطور مستقیم تحت تاثیر کاهش اعتبارات و چین نیز با کاهش شدید صادرات روبرو بوده است. هنگ کنگ و تایوان برای جلوگیری از رکود بیشتر تلاش خواهند نمود. بحران جهانی اعتبار همچین کره جنوبی را نیز تحت تاثیر قرار داده است بطوریکه فرار سرمایه باعث کمبود منابع ارزی گردیده و بروز کساد بازار در این کشور محتمل به نظر می رسد. پیش بینی می شود رشد اقتصادی در حوزه کشورهای عضو آ ث آن

در سال ۲۰۰۹ به ۳٪ یا حتی کمتر از آن برسد. کشورهای سنگاپور و اندونزی نیز از تاثیرات بحران جهانی تاکنون در امان نبوده اند. این در حالیست که ادامه ناآرامیهای سیاسی در تایلند روند نزولی رشد اقتصادی این کشور را تشدید خواهد نمود. اگر چه پاکستان در نوامبر گذشته اقدام به پرداخت اقساط مربوط به کمک مالی صندوق بین المللی پول کرد اما اجرای سیاستهای مد نظر صندوق برای این کشور چالش برانگیز بوده و روابط آن با هند نیز در پی اقدامات تروریستی بمبئی رو به وخامت نهاده است.

اروپای مرکزی و شرقی:

این منطقه از سپتامبر سال ۲۰۰۸ تاکنون، بیش از هر منطقه دیگری تحت تاثیر تشدید بحران مالی جهانی قرار داشته است. کسری بالای حساب جاری و سطح بالای بدهی های کوتاه مدت خارجی بسیاری از کشورهای این منطقه را در برابر معکوس شدن جریان سرمایه و بازارهای مالی (ناشی از وضعیت کنونی جهانی) آسیب پذیر نموده است. کشورهای مجارستان، اوکراین، لتونی، بلاروس، صربستان، لیتوانی و ترکیه که با تهدید بروز بحران مالی و رکود داخلی روبرو هستند از صندوق بین المللی پول درخواست کمک مالی نموده اند که تا کنون با درخواست کمک چهار کشور اول موافقت شده است. بلغارستان و رومانی نیز خود را برای فرودی سخت آماده می نمایند. روسیه نیز علیرغم بهره مندی از ذخایر قوی ارزی، بلحاظ سطح بالای بدهی خارجی بخش خصوصی و مواجه شدن اقتصاد این کشور با سقوط شدید قیمتهای نفت، در برابر بحرانهای مالی آسیب پذیر می باشد. انتظار می رود رشد اقتصادی این منطقه به زیر ۲٪ کاهش یابد.

آفریقا:

این منطقه از تاثیرات دور اول بحران مالی جهانی در امان بوده است بطوریکه حتی سیستم تقریبا باز بانکی آفریقای جنوبی نیز تا حدود زیادی در امان بود. اما، رکود اقتصادی ناشی از کاهش تقاضا و قیمت کالاها بر این منطقه تاثیرات منفی خواهد گذاشت. پیش بینی می شود سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ در این منطقه بسیار چالش برانگیز بوده و رشد تولید ناخالص داخلی منطقه در سال ۲۰۰۹ به کمتر از ۵٪ برسد (میانگین رشد در سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ در حدود ۷/۶٪ بوده است). کشورهای تولید کننده نفت از جمله نیجریه، الجزایر، آنگولا، سودان، مصر، گابن، کامرون و چاد بطور بالقوه بیشترین ضربه را خواهند خورد این در حالیست که سایر قیمتهایی که بصورت جهانی تعیین می شوند نیز همچنان تحت فشار قرار گرفته و تولید کنندگان کالاهای اساسی و غیر اساسی را تحت تاثیر قرار خواهد داد. احتمال افزایش بدهی های خارجی

در این منطقه وجود داشته و اقتصادهای دارای حسابهای ضعیف خارجی نیز احتمالاً دست یاری به سوی صندوق بین المللی پول یا سایر سازمانهای بین المللی دراز خواهند نمود. این وضعیت همچنین همزمان با افزایش فشارهای اجتماعی، رژیمهای شکننده از لحاظ سیاسی را نیز به بوته آزمایش خواهد کشید.